

نویافته‌هایی درباره چند شرح کهن

○ محمد کاظم رحمتی

اشاره: حجت‌الاسلام عزیزالله عطاردی در سال ۱۴۱۰ ق، کتابی با عنوان اعلام [الروایة علی] نهج البلاغه تألیف فردی به نام علی بن ناصر سرخسی به چاپ رسانده است. آقای عطاردی به علت آنکه در منابع قابل دسترسی اطلاعی درباره مؤلف نیافته، به خواننده آگاهی چندانی درباره هویت مؤلف کتاب نداده است. خوشبختانه در متون زبده، اطلاعات جالبی درباره مؤلف اعلام [الروایة علی] نهج البلاغه آمده است. ضمن گردآوری این نکات به مطالب متناقص فراوانی درباره شروح کهن نهج البلاغه برخوردیم و این خود دلیلی برای تألیف این نوشتار شد.

و از عبارات فوق برمی‌آید که شرح وبری بر تمام نهج البلاغه نیست و اختصاص به جمل و مطالب مشکله آن دارد و این اختصاص موجب عدم ذکر آن در شمار شروح نخواهد بود و نظائری دارد.^۱
گفته ابن ابی الحدید (متوفی ۶۵۶ ق) از آنجا ناشی می‌شود که وی با شروح کهن نهج البلاغه چون معارج نهج البلاغه علی بن زید بیهقی (متوفی ۵۶۵ ق) که در آخر جمادی الاول ۵۵۲ از تألیف آن فراقیت یافته، آشنا نبوده است. همچنین، بیهقی تصریح کرده که وبری نخستین شارح نهج البلاغه است. بر این اساس و با توجه به منقولات فراوان بیهقی از وبری، گمان می‌رود که عبارات‌های منقول از وی، حواشی او بر یکی از نسخه‌های نهج البلاغه بوده که در اختیار بیهقی بوده است. این را نیز باید افزود که شارحین دیگر نهج البلاغه چون قطب‌الدین کینزی که آن را در سال ۵۷۶ تألیف کرده و منهاج البراعة قطب‌الدین راوندی که آن را در سال ۵۵۶ نگاشته، نیز عبارات‌هایی از وبری نقل کرده‌اند. مقایسه این عبارات‌ها حدس نگارنده را تأیید می‌کند. برای مثال عبارات وبری در بیهقی (معارج نهج البلاغه ص ۱۵۹ - ۱۶۰، ۱۶۶، ۱۶۸) به عینه در کینزی (حذائق الحقائق، ج ۱، ص ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۸) آمده است.^۲
قطب‌الدین کینزی (ج ۱، ص ۶۹ - ۷۰) نیز اشاره کرده است که شرح وی در حقیقت تکمله‌ای بر دو شرح معارج بیهقی و منهاج البراعة

مرحوم ابن یوسف شیرازی در جزوه کوتاه خود با عنوان نهج البلاغه چیست (تهران، ۱۳۵۷ ق. ص ۱۱ - ۱۲) درباره اولین شرح نهج البلاغه می‌نویسد: «در اینکه نخستین شارح نهج البلاغه کیست سه قول تا به حال بود و اینک قول چهارم را بنده افزودم [م]. ۱. ابن ابی الحدید در مقدمه شرح خویش گوید که فقط پیش از من قطب راوندی به شرح این کتاب پرداخته و در ص ۴۳ و ۴۴ مجلد دوم فهرست کتابخانه مدرسه سپهسالار ترجمه عبارت ایشان را نقل کرده‌ام. ۲. محدث نوری در ص ۵۱۳، ج ۳ مستدرک الوسائل بیهقی را نخستین شارح معرفی کرده و صاحب وقایع الایام و سید شهرستانی به ایشان اقتدا کرده‌اند.^۳ سید اعجاز حسین [کنتوری] در ص ۵۳ کشف‌الحجب علی بن ناصر معاصر سید رضی را نخستین شارح دانسته و آقای عبدالعزیز جواهر الکلام در ص ۱۴۴ ج ۱ فهرست معارف ایشان را پیروی کرده‌اند... ۴. قول نگارنده است که نخستین شارح امام وبری می‌باشد که معاصر با بیهقی بوده و ایشان در شرح خویش از آن شرح نقل‌هایی دارند و عین عبارات بیهقی در شرح خود این است: و ممن سمعت خبزه و عینت اثره ولم اره الامام احمدبن محمود الوبری الملقب بالشیخ الجلیل و قد شرح من طریق مشکلات نهج البلاغه شرحاً أنا اورده و انسبه الیه و اتنی علیه والله تعالی ولی التوفیق و معین اهل التحقیق.

موانع منها: من كان متبحراً في علم الاصول كان قاصراً في علم اللغة والامثال و من كان كاملاً فيهما كان غافلاً عن اصول الطب و الحكمة و علوم الاخلاق و من كان كاملاً في جميع هذه العلوم و الاداب كان قاصراً في التواريخ و ايام العرب و من كان كاملاً في جميع ذلك كان غير معتقد لنسبة هذا الكلام الى امير المؤمنين...»

عجاز حسين كنتوری در كتاب ارزشمند خود، كشف الحجب (ص ۵۳) درباره كتابی به نام اعلام نهج البلاغه می نویسد: «ان علی بن ناصر اول شارح نهج البلاغه و كان معاصراً لشريف الرضى مؤلف نهج البلاغه ثم شاع ذلك و اشتهر بين المؤلفين و المحققين و الباحثين عن النهج و نقلوا عنه في كتبهم و آثارهم.»

آقا بزرگ تهرانی نیز به طبع از كنتوری درباره كتاب اعلام نهج البلاغه نوشته است: «اعلام نهج البلاغه لسيد العلامة علی بن الناصر، المعاصر لسيد الرضى مصنف نهج البلاغه و هو اقدم الشروح و الحواشی علیه و اوثقها و اتقياها و اخصرها اوله الحمد لله الذى نجاننا من مهاوى الغی و ظلماته و هدانا سبيل الحق بينات آیاته كذا ذكره فى كشف الحجب» (الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج ۲، ص ۲۴).

عبدالسلام عباس الوجیه نیز در اعلام المؤلفین الزیدیه (ص ۲۲۵ - ۲۲۶) از علی بن ناصر حسینی سخن گفته و او را از اعلام قرن پنجم دانسته و در شرح احوال وی چنین نوشته است:

«قال فى الجواهر المضیئة فى معرفة رجال الحديث عند الزیدیه: علی بن ناصر [صدر] الدين الحسينی، معاصر الشریف المرتضى، مؤلف اعلام الروایة علی نهج البلاغه یروی نهج البلاغه عن... [بیاض فى الاصل] و عنه رواها مؤلفه احمد بن احمد او زیدین احمد البیهقی و فیروز شاه، سمع الاعلام و فى التاب لاغا بزرگ: علی بن ناصر المعاصر للشریف الرضى و هو اول من شرح نهج البلاغه و سمی شرحه باعلام نهج البلاغه و هو اتقن الشروح له و اخصرها.

و من مؤلفاته رسالة فى تقرير دلائل الجواب علی المرجئة (نشرها یحیی بن الحسنین فى المستطاب) و قال نسب الیه الامام یحیی بن حمزه كتاب المعالم (احتمالاً اعلام) علی نهج البلاغه و ذکر انه اثنی عشری. [آثار]

اعلام نهج البلاغه خ بمکتبه السید عبدالرحمن شایم ضمن مجموعه به نهج البلاغه خ سنة ۷۳۵ ق. کان بخزانة داود بن الهادی.» سید صارم الدین نیز در ذیل شرح حال علی بن ناصر حسینی نوشته است:

«علی بن ناصر [صدر] الدين الحسينی السرخسی الشریف المرتضى مؤلف اعلام الروایة علی نهج البلاغه یروی نهج البلاغه عن [بیاض فى نسخة] و رواها عنه و مؤلفه احمد بن احمد او زیدین احمد البیهقی قال و كذلك سمع كتاب اعلام الروایة فیروز شاه بالجیل» (نسخة خطی طبقات الزیدیه ج ۳، ص ۱۲۳).

در میان این نوشته ها، سه فرد اول تأکید کرده اند که علی بن ناصر حسینی، نخستین شارح نهج البلاغه است.^۶ متن كتاب اعلام نهج البلاغه مشخص کننده این مطلب است که

راوندی است و خواننده باید این شرح را همراه با آنها بخواند. عبارت کیزدی چنین است: «وقد اقترح علی بعض الاشراف و من یجب فى الدین ان یوصل اقتراح مثله بالاسعاف ان اشرف فى شرح هذا الكتاب مستمناً بعد توفیق الله تعالی من کتابی المعارج و المنهاج غایصاً علی جواهر دررهما فى اعماق بحرهما الموج مستبسطاً منهما زلال فوائدهما غیر مختل بشیء من لیب عواندهما و اذ قد بالغ فى الاقتراح و اكد الاقتراح بالالاحاج، بذلت له سؤله انلته مامله كافلاً بایراد فوائد علی ما فى الكتابین زوائد لا کزیادة الادیه، بل کمایزید فى العقد من الدر الیتیم.»

عالمان خراسانی و روایت نهج البلاغه

ظهیرالدین علی بن زید بیهقی (متوفی ۵۶۶ ق)، عالم نامدار خراسانی در آغاز شرح مشهور خود بر نهج البلاغه درباره سماع نهج البلاغه می نویسد: «قرات كتاب نهج البلاغه علی الامام الزاهد الحسن بن یعقوب بن احمد القاری و هو و ابوه فى ملك الادب قمران و فى حدایق الورع ثمران، فى شهر سنة ست عشرة و خمسمائة و خطه شاهد لی بذلك و الكتاب سماع له عن الشیخ جعفر الدورستی المحدث الفقیه و الكتاب باسره سماع لی عن والدی الامام ابی القاسم زیدین محمد البیهقی وله اجازة عن الشیخ جعفر الدورستی و خط الشیخ جعفر شاهد عول بذلك و بعض الكتاب ایضاً سماع لی عن رجالی رحمة الله علیهم و الروایة الصحیحة فى هذا الكتاب روایة الى الاعز محمدین همام البغدادی تلمیذ الرضى و كان عالماً باخبار امیر المؤمنین علیه السلام» (معارج نهج البلاغه، ص ۹۵).

بر اساس گفته های بیهقی و وجود نسخه ای کهن از نهج البلاغه به کتابت ابویوسف یعقوب بن احمد بن محمد نیشابوری (متوفی ۴۷۴ ق) می توان از تداول روایت نهج البلاغه در محافل نیشابور سخن گفت.^۷ عبدالغافر فارسی در السیاق لتاریخ نیشابور که متن منتخب آن باقی مانده، درباره ابویوسف می نویسد: «یعقوب بن احمد بن محمد بن احمد القاری الادیب البارع کردی ابویوسف استاذ البلد و استاذ العربیة و اللغة، معروف مشهور، کثیر التصانيف و التلامذة، مبارک النفس، جمع الفوائد و النکت و الطرف» (منتخب من السیاق، رقم ۱۶۶۱).

در شرح حال فرزند وی، ابوسعید حسن بن یعقوب تجیبی (متوفی ۵۱۷ ق) که بیهقی نهج البلاغه را به سماع نزد وی خوانده، بر علائق معتزلی - شیعی وی تأکید شده است. صفدی که ظاهراً تحریر کامل السیاق را در دست داشته است و از كتاب دمیة القصر باخرزی نیز بهره برده است درباره ابوسعید می نویسد:

«كان شیخاً فاضلاً ملیح الخط مقبول الظاهر حسن الجملة و والده الادیب صاحب التصانيف و كان استاذ اهل نیشابور فى عصره، غالباً فى مذهب الاعتزال داعياً الى الشيعة» (ج ۱۲، ص ۲۰۸).

از این رو شگفت آور نیست که نخستین شروح بر نهج البلاغه را عالمان خراسانی و خوارزمی تألیف کرده باشند.^۸ بیهقی در آغاز شرح خود، معارج نهج البلاغه (ص ۹۹ - ۱۰۰) می نویسد:

«ولم یشرح قبلی [احد] من الفضلاء السابقین هذا الكتاب بسبب

ما اعظم شانه فی العلم و فی امرالدین و لقد استفدنا منه اشیاء آخر لم نستفد من غیره و کان اتفاق ما اثبتته رضی الله عنه و ارضاه من کتبه لهذه الاجازه فی العشر (فا) الاواخر من ذی القعدة سنة ستمائة بظاهر شادیاخ بنیساپور فی خانکات القناب (۴) و هذه الاجازة التي تلفظ بها ليست مقصورة على بعض دون بعض بل هي بجميع من رغب فیها من المسلمین و الاشراف انتهی. و قال القاضي الحافظ احمدبن سعدالدین قال عمرو بن جمیل فی عدد مسموعاته علی شیخه المذكور مالفظه و منها نهج البلاغه و كذلك خطبة الوداع و مات رحمه الله و لم تكتب السماع و كان امرالله هوالمطاع» (ج ۳، ص ۱۸۵).

احمدبن زید حاجی که در متن شرح حال یحیی بن اسماعیل حسینی از وی سخن رفته است. از شاگردان علی بن ناصر حسینی است. صارم‌الدین در شرح احوال وی چنین نوشته است:

«احمدبن احمدبن الحسن و یقال احمدبن الحسن و یقال زیدبن احمدبن الحسن و زید و احمد اسمان علی مسمی واحد و هوالبیهقی البروقتی و هو غیرالبیهقی المذكور فی صلاة التسبیح فذلک قدیم و سیاتی انشاءالله ذکره و یکنی تاج‌الدین. قلت سمع نهج البلاغه علی شیخه و شیخ‌الاسلام یحیی بن اسمعیل فی شهر رمضان سنة ستمائة بنیساپور و روی عنه ایضاً سفینه الحاکم الجشمی و روی عنه ایضاً الصحاح السنة و غیر ذلک و سمع الافادة تاریخ السادة علی الشیخ سعیدبن واسیون (۴). قال ابن سراهنک و احمد المذكور ایضاً من تلامذة الشریف علی بن ناصر مؤلف اعلام الروایة علی نهج البلاغه ثم قدم من العراق الی حوث سنة عشر و ستمائة فی زمن المنصور بالله عبدالله بن حمزة فاثنتی علیه العلماء. قال شعله: کان حافظاً و استجازمنه علماء وقته كالعلامة ابن الولید و حمیدبن المحلی و شعله، فجازهم کان اماماً کبیراً رحلاً مقدماً شهیراً اثنی علیه العلامة و وصفه شعله بالحافظ انتهی» (ج ۳، ص ۱۲).

صارم‌الدین در جایی دیگر (ج ۳، ص ۱۵) در اشاره به احمد الجامی به اختصار چنین نوشته است: «احمدبن زید الجامی الشیخ الادیب معین‌الدین البیهقی البروقتی سمع اعلام الروایة علی نهج البلاغه علی مؤلفه علی بن ناصر و سمعه علیه المرتضی بن سراهنک المرعشی ذکره فی مشیخته قلت و قد تقدم ان اسمه احمدبن احمد فلیعرف انشاءالله تعالی».

شاگرد دیگر یحیی بن اسماعیل، عمروبن جمیل، اشارات بیشتری درباره استاد خود آورده و براساس نوشته وی درمی‌یابیم که یحیی بن اسماعیل در نیشابور مدرسه‌ای نیز داشته است. صارم‌الدین در ذیل شرح حال وی می‌نویسد:

«عمروبن جمیل بن ناصر النهدی العالم رحل الی العراق ولقی الشیوخ و تلفف الاستاد و لقی بالعراق سید الزیدیه العلامة یحیی بن اسمعیل الحسینی قال عمرو ما لفظه: قرأت جلاء‌الابصار للحاکم بتمامه ببلدة شادیاخ علی شیخی تاج‌الشرف یحیی بن اسمعیل و هو قرأه علی عمه الحسن بن علی العلوی و قرأت امالی السید الناطق بالحق علی شیخی المذكور شادیاخ بنیساپور غرة سنة ثمان و تسعین و خمسمائة و الصحیفة لزین العابدین علی شیخی المذكور و صحیفة علی بن موسی

مؤلف از رجال قرن ششم است و از برخی شروح پیشین نهج البلاغه در تألیف اعلام نهج البلاغه بهره برده است.^۶ یادداشت‌های عبدالسلام عباس الوجیه نیز که از نسخه‌ای خطی نقل شده که بخشی از آن سفید بوده، دقیق نیست و برای فهم آن باید مطالبی را درباره روایت کتاب نهج البلاغه در میان زیدیه توضیح داد.

نهج البلاغه به روایت زیدیه

آشنایی عالمان زیدیه با کتاب نهج البلاغه در دو مرحله صورت گرفته است. زیدیه ایران به علت همجواری با عالمان امامیه، بسیار زود با کتاب نهج البلاغه آشنا شدند؛ اما عالمان زیدی یمنی، با تأخیر یک قرن و نیم و از طریق زیدیه ایران با این کتاب آشنا شدند و این در پی مهاجرت عالمان زیدی ایرانی به یمن بود. راوی مشهور زیدی نهج البلاغه در خراسان یکی از سادات نیشابور به نام یحیی بن اسماعیل حسینی بود که کتاب نهج البلاغه را به واسطه عمویش، حسین بن علی بن احمد حسینی جوینی، از شریف رضی (متوفی ۴۰۶ ق) روایت کرده است.^۸ دو تن از شاگردان زیدی یحیی بن اسماعیل به نام‌های عمروبن جمیل نهدی و احمدبن زیدبن علی حاجی کتاب نهج البلاغه را نزد یحیی بن اسماعیل - و به روایت حسین بن علی جوینی از سید رضی - سماع و در یمن روایت کرده‌اند. این دو تن همچنین کتاب اعلام الروایة را از مؤلف آن یعنی علی بن ناصر سرخسی حسینی سماع کرده و در سفر خود به یمن آن را نیز روایت کرده‌اند.^۹ شرح حال این افراد که متن آن را از نسخه خطی طبقات الزیدیه نقل می‌کنم، حاوی نکات سودمندی در این باره است، خاصه که برخی از این مطالب برگرفته از مشیخه‌های دو شاگرد زیدی، یحیی بن اسماعیل حسینی، است.

«یحیی بن اسماعیل بن علی بن احمد بن علی بن علی بن محمد بن یحیی بن محمدبن احمدبن محمدبن عبدالله بن الحسن بن الحسن بن عمر الاشراف بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب الحسینی العلوی النیساپوری السید الامام العلامة یروی عن عمه العلامة الحسن بن علی بن احمد الجوینی کثیراً من کتب الائمة و غیرهم فمما سمعه علیه کتب الحاکم الجشمی کتبیته الغافلین و جلاء الابصار و السفینه و سمع علیه من کتب الائمة امالی ابی طالب [الهارونی] و صحیفة زین العابدین علی بن الحسن و صحیفة علی بن موسی الرضا و نهج البلاغه و امالی السمان و صحیح البخاری و مجموعات العمیدی و عمه اسند کل کتاب الی مؤلفه و اخذ عنه [ای یحیی بن اسماعیل] عمروبن جمیل النهدی شیخ الامام عبدالله بن حمزه و احمدبن زیدبن علی الحاجی و کان سماعه علیه ببلدة شادیاخ بنیساپور فی سنة ثمان و تسعین و خمسمائة (۵۹۸ ق).

قال تلمیذه [ای تلمیذ یحیی بن اسماعیل] عمرو [بن جمیل] مالفظه: هوالسید الامام مفتخر الانام الصدر الکبیر العالم العامل مجدالملة والذین و افتخار آل طه و یس ملک الطالبیه، شمس آل الرسول استاذ الطوائف الموافق منهم و المخالف قیلة الفرق تاج اشرف. ثم قال بعد ذکر کلام کبیر

ذی القعدة سنة ثمان و ثلاثين و ستمائة و قرا عليه انساب الطالبية الشيخ احمد بن محمد شعله و اجازته جميع مسموعاته و مناولاته. قال مولانا الامام المؤيد بالله محمد بن القاسم في ذكر نهج البلاغة و اجل من اخذ عنه هذا الكتاب باليمن السيد المرتضى بن سراهنك الواصل من بلاد العجم مهاجراً الى الامام المنصور بالله عبدالله بن حمزة متجرداً للجهاديين يديه فوافوا ديار اليمن و قد كان الامام قبض، فاخذ عنه اولاد الامام المنصور بالله و شيعته هذا الكتاب و توفي هذا الشريف المذكور بظفار دار هجرته بعد ان خلطه اولاد المنصور بالله بانفسهم و زوجته بنتاً للمنصور بالله و قبره في جانب الجامع المقدس بحصن ظفار» (ج ۳، ص ۱۷۱؛ نیز نک: همان، ج ۳، ص ۱۶۰؛ لواع الاتوار، ج ۱، ص ۴۵۳ - ۴۵۴).

در پی رواج روایت کتاب نهج البلاغة نگارش شروح بر این کتاب در میان عالمان زیدی نیز رواج یافت. نکته جالب توجهی که در تمام این شرح حال‌ها می‌توان دید روایت همزمان کتاب اعلام نهج البلاغة سرخسی همراه با نهج البلاغة است. از این رو شگفت‌آور نیست که امروز نسخه‌ای کهن از نهج البلاغة همراه با کتاب اعلام الروایه علی نهج البلاغة در یمن موجود است. برای مثال عبدالسلام عباس الوجیه در کتاب مصادر التراث فی المكتبات الخاصة فی اليمن (ج ۲، ص ۸۲) در ضمن معرفی نسخه‌های خطی کتابخانه عبدالرحمان شایم نوشته است: (۲۲) مجموع یحتوی علی نهج البلاغة من کلام امیرالمؤمنین علیه السلام؛ الجامع: الشریف الرضی (محمد بن الحسین بن موسی) [۳۵۹ - ۴۰۶ هـ.]. الناسخ: منصور بن مسعود بن عباس بن ابی حمزه. تاریخ النسخ سنة ۶۳۵ هـ؛ علیه خط الامام المطهر بن المظلل بالغمام و اجازته الجمال الدارین بشر بن محمد بن علی القطنوی المتوفی سنة ۷۸۹ هـ؛ اعلام نهج البلاغة؛ المؤلف: علی بن ناصر الحسینی السرخسی [۵۷۵ - ۶۲۲ هـ.]. الناسخ: منصور بن مسعود بن عباس بن ابی حمزه. تاریخ النسخ: سنة ۶۳۵ هـ. كان الكتاب فی خزانة الامام صارم‌الدين داود بن الهادي.^{۱۳}

نکته‌ای درباره مؤلف اعلام [الروایه علی نهج البلاغة]

علی بن ناصر سرخسی در آغاز کتاب خود، علت تألیف شرح خود را چنین یاد کرده است: «دعانی ولوعی مع ضیق رباعی الی شرح مشکلاته و حدانی حرصی علیه مع ضیق رباعی الی کشف معضلاته و الاعراض عن التعرض لجلياته و سمیته اعلام نهج البلاغة للاهتداء بها فی متاهاته و الله استعین فی اتمامه و حل معتقداته و أسأله أن یصلی علی خیر خلقه محموله بافضل صلواته» (ص ۳۴).

درباره گرایش مذهبی وی، با توجه به برخی عبارات‌ها می‌توان از زیدی بودن علی بن ناصر سخن گفت؛ مطلبی که آقای حسن انصاری قمی نیز به آن اشاره کرده‌اند.^{۱۴} مؤید زیدی بودن این شارح نهج البلاغة عبارات صفحه ۱۴۵ و ۱۶۳ است. در صفحه ۱۴۵ می‌نویسد: «اشارة علی ان نصب الامام واجب علی المسلمين و يجب علیهم معرفة استحقاقه للامامة، فمن لم یعرف الامام ولم یعرفه الامام كان بمعزل عما قام به لسائر المسلمين من نصب الامام و كان تاركاً للواجب، فكان اثمأ مستحقاً

الرضی علی شیخی المذكور فی تاریخ سنة ثمان و تسعين و خمسمائه و نهج البلاغة فی مدرسة شیخی المذكور فی الصفة الشرفیة فی شهر رمضان سنة ستمائة یقرأه الامام الاجل احمد بن زید بن علی بن الجامی البیهقی بحضور سیدالنحاة سالم بن احمد بن سالم البغدادی و الشیخ الحسین بن محمد الواسطی. قال المنصور بالله عبدالله بن حمزه قال عمرو بن جمیل اخبرنا بصحیح البخاری استاذ جميع الطوائف یحیی بن اسماعیل بن علی الحسینی قال اخبرنا عمی الحسن بن علی العلوی قال اخبرنا السید الامام علی بن حمک و رفعه الی نهايته و كذلك مجموعات الحمیدی انتهى. و قال عمرو بن جمیل ایضاً و امالی السمان قرآته بتمامها علی الشیخ العالم ابراهیم بن اسماعیل العبابی (؟) بقریة الحی من رستاق الری سنة خمس و تسعين و خمسمائه ثم قال بعد ذلك یدعوالشیخه یحیی بن اسمعیل و لقد استفدنا منه شیء آخر مالم تستفد من غیره و كان اتفاق ما اثبتته رضی الله عنه و ارضاه من کتبه لهذه الاجازة فی آخر یوم الاثنین لا و آخر ذی القعدة سنة ستمائه بظاهر شادیاخ بنیسابور فی خانکات العبان (؟) و هذه الاجازة الی یلفظ بها لیست مقصورة علی بعض دون بعض بل هی لجميع من رغب فیها من المسلمین و الاشراف. هذه زبدة من کلام عمرو. قال القاضي و رجعا اليمن و اجتمع بالمنصور بالله عبدالله بن حمزه و محمد بن احمد بن الولید و حرر لهم اجازة بهجرة فطابرت ضحوة النهار یوم الاثنین الثالث من شهر ربیع الاخر من سنة ست و ستمائة. قال القاضي هو العلامة الرجال المسند احد مناقب الزیدیة و احد علمائهم رحل الی العراق و لقی الشیوخ و تتلمذ له الائمة و كان ثبناً فاضلاً و لقی شیخه یحیی بن اسماعیل و هو الذی بلغ دعوة الامام المنصور بالله عبدالله بن حمزه و لعمرو بن جمیل مقالات حسنة و تاویلات لبعض الاحادیث موافقة تدل علی ثبات قلبه و رجاح لیه. قال الحافظ احمد بن سعدالدين ثم مات عمرو بن جمیل و لم تکتب السماع و كان امرالله هوالمطاع. قال ظاهر أن موته فی العشر بعد الست منها و ستمائة والله اعلم». (ج ۳، ص ۱۲۸)

مهم‌ترین راوی نهج البلاغة از این دو شاگرد زیدی یحیی بن اسماعیل، یکی از سادات مهاجر ایرانی به یمن به نام مرتضی بن سراهنک مرعشی است.^{۱۵} صارم‌الدين ابراهیم بن قاسم درباره این فرد می‌نویسد: «المرتضی بن سراهنک ضیبا بضم المهملة الاولى و فتح الثانية و کسرالهاء و سکون النون ثم کاف بن محمد بن یحیی بن علی بن سراهنک بن حمزه بن الحسن بن علی المرعشی بن عبدالله بن محمد بن الحسن بن الحسین الاصغر. بن علی بن زین‌العابدین بن الحسین بن علی بن ابی طالب الحسینی العلوی المرعشی بمهملتین بعدالمیم ثم معجمه نسبه الی مرعشی قریة بین ارمینیه و حلب الشریف الفاضل شرف‌الدين ابوطالب سمع نهج البلاغة علی الشیخ معین‌الدين احمد بن زیدالجامی عن یحیی بن اسماعیل الجوینی و کذا غیرها و سمع اعلام الروایة علی نهج البلاغة علی رکن‌الدين فیروزشاه الجیلی و عن الحسن بن مهدی البیهقی و عن احمد بن زید الجامی قراه علیهم و هم سمعوها من مؤلفها علی بن ناصر و قرا انساب الطالبیه و سمع علیه اعلام الروایه حمید بن احمد المحلی و كان السماع بکحلان [من] تاج‌الدين فی

للحرمان».

در صفحه ۱۶۳ تمایلات زیدی خود را صریح‌تر بیان می‌کند: «لان الامامة اذا ثبت حقاها على من يستحقها ووجب عليه القيام بها، فلا يسعه تركها بوجه من الوجوه الا ان يودي ذلك الى خلل كلي يرجع الى الدين و الاسلام، كما كان حاله عليه في اول الامر...»

پی نوشت‌ها:

۱. تحقیق شیخ عزیزالله العطار دی (قم، ۱۳۹۹) ص ۱۱.
۲. سرخسی از شرح قطب‌الدین کیندی با عنوان حقائق الحقائق که از کتابت آن در سال ۵۷۶ ق فارغ شده بهره برده و به نام او با عنوان قال بعض الشارحین اشاره کرده است. ر. ک: اعلام نهج البلاغه ص ۱۰۸، ۱۳۲، ۱۷۸، ۱۸۸-۱۸۹، ۲۵۰، ۳۰۸، ۳۱۳. در یک مورد نیز از احمدبن محمد وبری خوارزمی نیز نقل کرده است. اعلام نهج البلاغه ص ۶۸.
۳. مرحوم محمد هادی امینی از این فرد در میان شاگردان شریف رضی یاد می‌نماید. ر. ک: الشریف‌الرضی، ص ۱۰۹-۱۲۲.
۴. از دیگر شاگردان علی بن ناصر سرخسی می‌توان به حسن بن مهدی بیهقی ریوندی اشاره کرد. صارم‌الدین در شرح احوال وی نوشته است: «الحسن بن مهدی البیهقی الریوندی سمع اعلام الروایة علی نهج البلاغة علی مؤلفه ملک السادة و النقیاء علی بن ناصرالحسینی السرخسی و سمع علیه المرتضی بن سراهنک المرعشی.» (ج ۳، ص ۵۲). رکن‌الدین فیروزشاه جبلی نیز یکی از شاگردان علی بن ناصر سرخسی بوده است. صارم‌الدین به نقل از مشیخه مرتضی بن سراهنک درباره وی می‌نویسد: «فیروزشاه الجبلی سمع اعلام الروایة علی مؤلفها علی بن ناصر و سمع علیه المرتضی بن سراهنک المرعشی ذکره فی مشیخته و قال فیروزشاه الجبلی الی زیدی الفقیه الاجل الفاضل رکن‌الدین» (طبقات الزیدیه ج ۳، ص ۱۲۹؛ نیز ر. ک: لوامع الانوار، ج ۱، ص ۴۵۳).
۵. برای مثال امام زیدی یمنی یحیی بن حمزه نهج البلاغه را نزد احمدبن محمد اکوع به طریق مرتضی بن سراهنک به مؤلف آن سماع کرده است: «و كذلك كتاب نهج البلاغه كما بلغنا روايته بقرائة شیخی له یبلغ به الی السید المرتضی بن سراهنک المرعشی الواصل من الری» (طبقات الزیدیه، ج ۳، ص ۱۸۸). حمیدبن احمد محلی نیز در کحلان به سال ۶۳۸ از تاج‌الدین بیهقی، کتاب نهج البلاغه را سماع کرده است. درباره سلسله روایت نهج البلاغه در نزد زیدیه ر. ک: لوامع الانوار، ج ۱، ص ۴۵۳-۴۵۹.
۶. از شروع کهن زیدیه بر نهج البلاغه می‌توان به الدیاج المزی فی شرح نهج البلاغه للرضی نگاشته امام زیدی المؤیدبالله یحیی بن حمزه (متوفی ۷۴۹) اشاره کرد که اثر خود را تلخیص نیز کرده است. (ر. ک: محمد هادی الامینی، الشریف‌الرضی، ص ۱۷۷، ۱۶۲؛ مجدالدین بن محمدالمؤیدی، لوامع الانوار (صعده، ۱۴۱۴)، ج ۱، ص ۴۶۹).
۷. نسخه خطی کتاب طبقات الزیدیه متعلق به کتابخانه حجت‌الاسلام محمد باقر محمودی است. جای آن دارد تا از حجت‌الاسلام محمد کاظم محمودی برای در اختیار نهادن این نسخه به نگارنده به رسم امانت تشکر کنم.
۸. حسن انصاری قمی، «اخبار الدولة السلجوقیه» مجله معارفه دوره هفدهم، شماره ۱، فروردین - تیر ۱۳۷۹، ص ۱۶۷-۱۷۲؛ همو، «فخر رازی و مکانیه او یا یکی از حکمای معاصر خود»، مجله معارفه دوره هجدهم، شماره ۳، آذر - اسفند ۱۳۸۰، ص ۱۰-۲۶. از این شرح کهن نهج البلاغه در مقاله «شرح‌های نهج البلاغه» در دانشنامه امام علی (ج ۱۲، ص ۱۱۷-۱۴۸) سخنی به میان نیامده است.

۱. مرحوم ابن یوسف شیرازی (ص ۱۱) علی بن ناصر را علی بن ناصرین محمد نوقانی شافعی (متوفی ۵۴۹ ق) که در طبقات الشافیه الکبری (ج ۴، ص ۲۸۴) شرح حال دارد، معرفی کرده‌اند که نادرست است.
۲. در منابع (برای نمونه ابوالفضل حافظیان، نهج البلاغه ج ۱۲، ص ۷۵) افرادی چون رکن‌الدین محمود ملاحمی خوارزمی و سدیدالدین محمود بن میرک رازی شارحان نهج البلاغه معرفی شده‌اند و این مطلب به بیهقی و سخنانش در معارج نهج البلاغه (ص ۱۵۸) ارجاع داده شده است. با مراجعه به متن بیهقی روشن شد که این مطلب خطاست و این افراد، متکلمان معاصر بیهقی بوده‌اند. رکن‌الدین محمود خوارزمی (متوفی ۵۲۶ ق) استاد کلام زمخشری و مؤلف آثار مهم کلامی چون المعتمد فی اصول‌الدین و الفائق فی علم الکلام است که اثر نخست به چاپ رسیده است.
۳. در چاپ جدید معارج نهج البلاغه تحقیق اسعد طیب (قم، ۱۴۲۲)، در ذیل اعلام، ص ۹۵۲ آدرس کامل منقولات وبری آمده است. موارد منقول از وبری در حقائق الحقائق (قم، ۱۴۱۶) چنین است: ج ۱، ص ۱۱۳، ۱۱۶-۱۱۷، ۱۲۱، ۱۳۶، ۱۳۸، ۲۱۳-۲۱۴، ۲۴۸، ۲۷۴، ۲۸۲، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۳۳، ۳۶۲، ۳۹۱، ۴۴۷، ۴۵۴، ۴۵۷، ۴۵۹، ۴۶۹، ۶۷۶، ۶۸۰، ۶۸۲، ۶۸۳؛ ج ۲: ص ۸، ۲۲، ۵۸، ۵۶، ۸۵، ۹۴، ۹۹، ۱۰۹، ۱۱۰، ۲۹۸، ۲۷۲، ۲۸۵، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۳، ۵۱۳، ۵۵۶، ۶۴۵، ۶۸۱، ۶۸۳، ۷۰۷-۷۰۸.
۴. ر. ک: ابوالفضل حافظیان بابلی، «نهج البلاغه»، دانشنامه امام علی علیه‌السلام (تهران، ۱۳۸۰)، ج ۱۲، ص ۸۵.
۵. برای مثال علی بن ناصر سرخسی در اعلام نهج البلاغه (ص ۲۰۸) درباره نسخه‌ای از نهج البلاغه می‌نویسد: «وعلی الحاشیه من بعض ائمة خوارزم»
۶. به علت در دسترس نبودن نسخه‌ای از این کتاب و خطای مرحوم سید اعجاز حسین کنتوری، در اکثر منابع کتاب اعلام الروایه نخستین شرح نهج البلاغه معرفی شده است. برای نمونه نک به: الذریعه الی تصانیف الشیعه ج ۲، ص ۲۴۰؛ ج ۱۴، ص ۱۳۹؛ الغدیر، ج ۴، ص ۱۸۶؛ اعیان الشیعه ج ۸، ص ۲۴۵، ۳۶۳؛ مصادر نهج البلاغه ج ۱، ص ۲۰۳؛ طبقات اعلام الشیعه (الناس فی القرن الخامس)، ص ۱۳۲؛ فهرست دانشگاه ج ۵، ص ۱۶۰۶؛ محمد هادی الامینی، الشریف‌الرضی (تهران، ۱۴۰۸ ق)، ص ۱۵۸؛ امتیاز علیخان المرعشی، استناد نهج البلاغه